



هشت مارس روز مبارزه برای آزادی زن

مصاحبه با هما ارجمند، عضو فعال شورای
مرکزی سازمان آزادی زن



آزادی زن: تاثیر جهانی
شدن اسلام سیاسی را بر
حقوق زن چگونه می بینید؟

هما ارجمند: اسلام سیاسی
امروز در مقیاس جهانی
خطری جدی نه تنها برای
زنان بلکه برای کل بشریت
متمدن است. فراموش نباید
کرد که این جنبشی است که
خود را سوار بر توده
مردمی می کند که شدیداً
در محرومیت به سر می
برند، ایزوله شده اند، از
تحقیر و سرکوب به ستوه
آمده اند و هیچ آلترناتیو
مدرن، ترقی خواه، آزاده و

رادیکالی را هم جلوی روی خویش نمی بیند. این جنبشی است که هر
روز بر دامنه تحریکات خود اضافه می کند. این جنبش همین حالا و
حتی در اینجا یعنی کشورهای غیر اسلام زده هم در سطوح مختلف
زندگی مردم، با حمله به دستاوردهای مترقی و سکولار کار خود را
به پیش می برد. فعالین این جنبش تحت پوشش آزادی مذهب در واقع
آزادی زنان و دستاوردهای مترقی آنان را هدف قرار می دهند.

باید بگویم که جریانات توده ای، اکثریتی و



در سالگرد خیزش عظیم توده ای در
خاورمیانه و شمال آفریقا مبارزات مردم
برای آزادی، برابری و رفاه ادامه دارد!

آذر ماجدی

یک سال از آغاز خیزش توده ای مردم در شمال آفریقا و
خاورمیانه می گذرد. خیزشی که جهان را بهت زده کرد. مردم
بجان آمده منطقه که همواره تحت رژیم های مطلقه سرکوبگر
زیسته اند، علیه این اختناق و سرکوب و فقر و فلاکت به خیابان
ها آمدند. خواست آزادی و یک زندگی بهتر سرلوحه خواستهای
مردم است. مبارزات قهرمانانه مردم تاکنون موجب سقوط
چهار مستبد جنایتکار شده است. اما مردم هنوز از خواست های
خود بسیار دوراند. در تونس با دخالت تروریسم دولتی به
سرکردگی آمریکا، بن علی و خانواده اش همراه با میلیون ها
دلار مال دزدی، از کشور گریختند. حسنی مبارک نیز پس از
مقاومت چند ماهه، بدنیاال بمیدان آمدن کارگران، با دخالت
آمریکا از حکومت ساقط شد و خانواده اش از مصر فرار
کردند. اما در هر دو کشور همان نظام سرکوب پیشین حکم می
راند. مردم در مصر هنوز به اعتراضات خود علیه دولت
نظامی ادامه می دهند.

در لیبی یک جریان ارتجاعی و پوسیده با کمک نظامی ناتو،
دولت را بدست گرفته است. روسای عشایر، اسلامیست ها
بهمراه عناصر رژیم سابق یک حکومت مختنق و ارتجاعی را
بر کشور حاکم کرده اند. اعتراضات توده ای در یمن به سقوط
و فرار صالح انجامید، اما شرایط مردم تغییری نکرده است. فقر
و فلاکت بیداد می کند؛ سرکوب و زندان و کشتار همچنان ادامه
دارد. تغییر مهمی که در این جوامع رخ داده است، تغییر توازن
قوا بنفع مردم است. لذا مردم علیرغم تداوم سرکوب و کشتار،
به مبارزات خود به اشکال مختلف ادامه می دهند. این یک نقطه
امید بسیار مهم در تغییر شرایط و دست یافتن مردم به خواست
های پایه ای شان یعنی آزادی، برابری و رفاه

برای تغییر جهان و احقاق حقوق زنان متحد شوید!

در سالگرد خیزش عظیم توده ای در خاورمیانه و شمال آفریقا

اجباری کنند. در مصر نیز قشار اسلامیست ها بر زندگی مردم، بویژه زنان روز بروز بیشتر می شود. در اعتراض به چنین شرایطی است که علیا الماجد المهدی عکس برهنه خود را در وبلاگش منتشر کرد که سریعاً خبر آن در دنیا انتشار یافت و علیا مورد تهدید و اذیت و آزار اسلامیست ها قرار گرفته است.

جوامع خاورمیانه و شمال آفریقا در التهاب قرار دارند. مردم وسیعاً در اعتراض به شرایط موجود به اعتراض برخاسته اند. طبقات حاکم با همکاری تروریسم دولتی می کوشند مردم را به خانه ها بازگردانند و شرایط را بنفع خویش تثبیت کنند. باید در مقابل این توطئه صف آرایی کرد. باید از مبارزات مردم منطقه علیه فقر و فلاکت، اختناق و سرکوب و برای آزادی، برابری و رفاه با تمام قوا حمایت نمود. باید علیه هر دو قطب تروریستی، اسلامی و دولتی ایستاد. مردم باید بتوانند در تشکلات توده ای خویش متشکل شوند و برای به زیر کشیدن این رژیم های جنایتکار به مبارزات خویش ادامه دهند. سازمان آزادی زن با تمام قوا از مبارزات مردم برای آزادی، برابری و رفاه پشتیبانی می کند. در همین جهت سازمان آزادی زن کنفرانسی بین المللی



بمناسبت ۸ مارس سازمان داده است تا بویژه به موقعیت زنان در منطقه پردازد و همبستگی و حمایت بین المللی را به جنبش آزادی زن در منطقه جلب کند. از این حرکت و تلاش ما حمایت کنید. نباید اجازه دهیم که تلاش ها و فداکاری های توده های مردم نقش بر آب شود. ■

یکی از ترفندهای تروریسم دولتی و طبقه حاکم در این کشورها سازش با اسلامیست ها است. تحت اختناق خونین در این جوامع، هر نوع جریان اپوزیسیون بشدت سرکوب شده است. احزاب سیاسی اجازه تشکیل نیافته اند. مبارزات کارگران و مردم برای بهبود شرایط زندگی شان همواره بشدیدترین شکلی سرکوب گردیده است. اسلامیست ها تنها جریانی هستند که از آزادی عمل بعضاً مطلق و بعضاً نسبی برخوردار بوده اند. اسلامیست ها دارند از شرایطی که جنبش آزادیخواهان مردم طی یک سال اخیر بوجود آورده بنفع قدرتگیری خویش استفاده می کنند. بعلاوه، تروریسم دولتی بسرکردگی آمریکا، یکبار دیگر در صدد است تا بمنظور جلوگیری از قدرتگیری چپ و کمونیسم، اسلامیست ها را بعنوان آلترناتیو حکومتی، بجلوی صحنه بیاورد. اینها یکبار دیگر در تاریخ چنین توطئه ای را در مقابل مبارزات توده ای و آزادیخواهان مردم ایران در سال ۱۳۵۷ سازمان دادند و برای جلوگیری از قدرتگیری چپ و کمونیسم جریان کپک زده اسلامیستی را بجان مردم انداخت.

در شرایط کنونی، ده سال پس از سازماندهی یک جنگ تروریستی در سطح بین المللی و بخاک و خون کشیدن منطقه، تحت نام «جنگ علیه ترور»، تروریسم دولتی دارد بار دیگر راه را برای قدرت گیری اسلامیست هموار می کند و برای توجیه این توطئه کثیف، تبلیغاتی را بنفع اسلامیست ها سازمان داده اند؛ تلاشی مذبوحانه برای شکل دادن به یک جریان «اسلامیست معتدل» انجام می گیرد. «اسلام از نوع ترکیه» را بعنوان یک شکل آلترناتیو قدرت منطقه ای پر و بال می دهند. باید این توطئه کثیف را افشاء کرد.

تاکنون در انتخابات مصر، تونس و مراکش اسلامیست ها اکثریت آراء را بخود اختصاص داده اند. این مساله موجب اعتراضاتی از گوشه و کنار این جوامع بویژه از جانب جریانات مدافع حقوق زن شده است. فی الحال اسلامیست ها فضای دانشگاه ها را در تونس بر زنان بسیار تنگ کرده اند و می کوشند حجاب را در دانشگاه ها

دنباله مصاحبه با هما ارجمند

جنبش فمینیستی اگر در پوشاندن چهره کریه این جنبش سهم نداشته باشند در مبارزه با آن بطور قطع نقشی ندارند. انتظار این که غرب نیز با کلیت این جنبش سیاه درافتد انتظار بیپوده است. چرا که از وجود و حاکمیت آن در بسیاری از کشورهای خاورمیانه و آفریقایی سود میبرد و تا آنجایی که نوک نیز حمله این جریانات به کارگر، چپ و جنبشهای مترقی در این منطقه متوجه است، که اساساً ضرورت به

وجود آمدن آنها بدین خاطر بوده است، سیاستمداران غربی با آن نه تنها ضدیتی ندارند بلکه کاملاً در جهت منافع کوتاه مدت و دراز مدت آنها نیز میباشند. این وظیفه ماست که بعد اجتماعی و فرهنگی اسلام سیاسی که اساساً ضد زن، ضد ترقی خواهی و ضد زندگی شاد و راحت است را زیر نور افکن قرار دهد. همچنین بطور مشخص خطری که متوجه همان حداقل دستاوردی که زنان و جنبش سکولار بدست آورده، است را بهتر به جهان متمدن بشناسانیم. البته قدرتهای غربی با به راه انداختن زرادخانه تبلیغی و جنگی خود علیه

آزادی زن: بنظر می رسد که جریانات اسلامی ماحصل مبارزات توده ای برای آزادی و رفاه در مناطق خاور میانه و شمال آفریقا را به سرقت برده و این

حکومت ضد زن، سرنگون، سرنگون!

دنباله مصاحبه با هما ارجمند

مبارزات را قیچی کرده و این باعث عقب نشینی هایی

در خصوص حقوق مدنی و حقوق زنان شده است. آینده را در این مناطق را چگونه می بینید؟

هما ارجمند: آنچه مردم در خاور میانه و شمال آفریقا با آن رو در رو هستند فقط حکومت‌های دیکتاتوری ضد مردمی در منطقه نیست، بلکه با یک جنبش اسلامی که مدعی سهم خواهی از قدرت در سطح بین المللی است و ضدیت با آزادیخواهی و مدرنیسم از مشخصه اش است هم رو به رو هستند. این جنبش با تکیه به غرب توانسته در منطقه بست و گسترش یابد و اولین وظیفه اش هم اینست که فعالین جنبش علیه فقر و دیکتاتوری را مورد تارگت قرار دهد تا راحت‌تر بتواند بر جنبش توده ای علیه دیکتاتوری سوار شود.

دستگیریهایی وسیع مبارزین و پیشروان، دانشجویان و زنان از جمله دستگیری مادران جوان با کودکان بعضاً کمتر از یک سال، شکنجه آنان در مقابل کودکانشان برای دست یابی به اطلاعات، در بند کردن مادر و کودک در زندان انفرادی در حال خونریزی و با استخوانهای شکسته، برای روزهای متوالی، گاهی شکنجه خود کودک در مقابل چشمان مادر با فرمان سران و رهبران جنبش اسلامی را تنها میتوان با رفتار رژیم نازی دوران جنگ جهانی دوم مقایسه کرد. نتیجه تا کنونی اش هم همانی است که در عراق، تونس، مصر و لیبی ناظرش هستیم. اما آینده در این مناطق چه میشود؟ ایجاد یک **جبهه جهانی** بر علیه جنبش سیاه اسلام سیاسی سالها است یک نیاز واقعی برای نجات بشریت تبدیل شده است.

جدا از این که در خود کشورهای اسلام زده و یا با حکومت‌های اسلامی چه جنبش قدرتمندی برای منکوب کردن اسلام سیاسی برپا است و به چه پیشرویهایی بزرگی تا حال نایل آمده است در سطح اروپا و امریکای شمالی تا حال نیز کوششهای زیادی در این زمینه صورت گرفته و سازمانها، کمپینها و سایتهای اینترنتی زیادی در این رابطه شکل گرفته است. مبارزه علیه اسلام سیاسی باید جزئی از مبارزه هر حزب جدی مترقی، سوسیالیست و کارگری، هر جریان مدافع حقوق زن، کودک و بطور کلی انسان و حقوق بشری باشد. امروز هیچ جریانی، نمیتواند در مقابل تهاجم راست به حقوق کارگر، حقوق زن و اتحادیه های کارگری، بیمه بیکاری و بهداشت معترض باشد و در چند محله آنطرف تر ایجاد دادگاههای اسلامی، گتوهای مذهبی و قومی، مدارس مذهبی، برقه و جداسازی کودکان دختر و پسر و حجاب کردن بروی دختر بچه ها را نادیده بگیرید. به این معنی ایجاد این **جبهه ضد دخالت مذهب در زندگی مردم، این جبهه ضد اسلام سیاسی** امروز یک وظیفه عاجل همه است. از این رو پیوستن به کمپین ما برای بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی و تقویت آن از همه لحاظ وظیفه همه انسانهای مترقی و آزادیخواه است. کمپین بین المللی برای بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی یک سنگر از آن جبهه بین المللی علیه اسلام سیاسی است و باید اینگونه سنگرها را در همه جا و در زمینه های مختلف ایجاد کرد.

اما صف مردم آزادیخواه و انسان دوست راهی جز این ندارد که با تقویت نیروهایی از نوع ما بدنبال راه نجات واقعی بگردد.

نیروهایی که هیچ منفعتی جز تامین سعادت و زندگی درخور انسان ندارند و تمام تلاششان بر آن است که بطور رادیکال و انسانی ریشه همه مظالم، ریشه همه نیروهای کور و ارتجاعی که انسان و حیات آن را به هیچ میگیرند را بشکند. کمپین ما صفی از آن نیرو اجتماعی است که در این راه مبارزه میکند و از این رو مراجعه وسیع مردم در برهه های از این نوع کاملاً قابل انتظار و کاملاً به حق است.

آزادی زن: آیا جنبش علیه حکومت‌های دیکتاتوری در این مناطق بالاخره بر جنبش اسلام سیاسی هم غلبه خواهد کرد؟ آیا حکومتی میرا از مذهب در این مناطق بوجود خواهد آمد؟

هما ارجمند: در ابتدا باید بگویم که خواست آزادی و سکولاریسم یک خواست پایه ای مردم بخصوص پس از تحکیم قدرت اسلامی در ایران، یعنی سرکوب انقلاب مردم توسط جمهوری اسلامی به سرکردگی خمینی، بوده است. و این خواست تنها در سطح امیال و



اشتیاق توده مردم باقی نماند و یا حتی در سطح نیاز و خواست قشر روشنفکر و تحصیل کرده خلاصه نشد. بلکه حول این خواست **جنبشی** شکل گرفت که از یکطرف خود را در تحرك احزاب و سازمانهای اجتماعی و پلاتفرمهای آنان منعکس کرد و از طرف دیگر تاثیر خود را در مباحث متفکرین و قشر تحصیل کرده جامعه، هنرمندان و اساتید دانشگاهها نشان داد و از همه مهم تر خود را در جدال هر روزه زنان، جوانان و کارگران و اقشار فقیر جامعه و یا حتی بخش متوسط جامعه با يك ماشین عظیم سرکوب و کشتار نشان داد.

انقلاب ۵۷ و دموکراسی وسیع همراه با آن هر چند کوتاه بود ولی شرایطی را بوجود آورد که آزادی و سکولاریسم میتواندست همديگر را ملاقات کنند. مطالعه این مقطع تاریخی بخوبی نشان میدهد که مردم در ایران تشنه آزادیهای سیاسی و تشنه ترقی خواهی و سکولاریسم هستند. اما جمهوری اسلامی که بر راس انقلاب با همکاری وسیع غرب سوار شده بود تمام سعی اش این بود که این روند را با آتش و خون قیچی کند. وظیفه نیمه کاره

نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!

دنباله مصاحبه با هما ارجمند

رژیم شاه جهت متوقف کردن ماشین انقلاب در اساس به

دوران جمهوری اسلامی ما با يك تلاقی عمیق بین خواست دموکراسی و سکولاریسم مواجهه ایم. و آن این که مبارزه مردم در این میدان کاملاً از کانال يك مبارزه سیاسی با حاکمیت جریان میابد. به يك معنی میخوامم بگویم چشم انداز سکولاریسم در ایران کاملاً روشن است و آن این که تا آنجایی که به جامعه و توده های وسیع مردم برمیگردد جنبش سکولاریستی با موانع بزرگی مواجهه نیست. آتش مردم بخصوص در دوران حاکمیت يك رژیم مذهبی، برای برخورداری از زندگی مدرن و از نوع غربی آن چیزی نیست که سوال بردار باشد. مقاومت مردم در مقابل تعرضات دستگاههای سرکوب رژیم در چند دهه گذشته، مقاومت زنان در مقابل حجاب اجباری، جنبش عظیم دختران برای دست یابی به تحصیلات عالی، تمایل و جذب جوانان به فرهنگ غربی و موزیک و پوشش اروپایی، تحرك وسیع زنان برای داشتن حق طلاق، سرپرستی کودکان و کار و مسافرت و... همه حکایت از

خیمنی سپرده شده بود. اما او و تمام لیبرالها، ملی و مذهبیایی که امروز خود را طرفدار سکولاریسم و دموکراسی میخوانند، میدانستند که نمیتوان انقلاب را با همان سلاحهای محمد رضا شاه سرکوب کرد. يك دستگاه ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی جدیدی نیاز بود. دیگر نمیشد بروی عظمت ایران و ناسیونالیسم کوبید و از امریکا و فرهنگ غربی طرفداری کرد و یا به دستگاه ساواک و شهربانی و ارتش متکی بود و مردم را به خانه های فرستاد و انتظارات و توقعاتشان را پایین آورد و یا سرکوب کرد. از این رو میبینید که يك رژیم کاملاً مذهبی و ایدئولوژیک پس از سه تا چهار سال به همان کاری مبادرت میورزد که رژیم شاه میکرد با این تفاوت که همان يك مقدار حقوق مدنی و سکولاری که مردم از آن برخوردار بودند را هم زیر ضربات شلاق، زندان و اعدام از بین برد. از مقطع تثبیت حاکمیت جدید مردم تنها با دیکتاتوری سیاسی مواجهه نبودند بلکه حقوق مدنی و حداقل شرایط سوخت و ساز يك جامعه سکولار آنان نیز مورد تاخت و تاز حاکمیت قرار گرفت.

این تعرض جدید به نرمهای مدرن و غیر مذهبی یکبار دیگر مسئله سکولاریسم و جدایی مذهب از دولت را به مسئله مهم مردم بدل کرد و به این معنی جبهه جدیدی در مقابل مردم گشوده شد. جبهه ای که هر چند از نظر تاریخی جدید نبود ولی از ویژه گیهای برخوردار بود که آن را از دورانهای گذشته متمایز میساخت. این بار جنبش سکولاریستی از بطن جامعه و نیاز پایه مردم برای يك زندگی روتین و روزمره برخاسته بود. آیا میتوانید تصور آن را بکنید که با يك جامعه وسیع شهری و صنعتی و با قشر عظیمی از مردم تحصیل کرده و جمعیتی که بخش عظیمش جوان باشند، مواجهه باشید و در عین حال در آن کشور با سکولاریسم ضدیت وجود داشته باشد و یا مردم در مخالفت با آن بوده باشند؟ در تاریخ و یا در جوامع مختلف ما با این پدیده که با سرکوب و دیکتاتوری توانستند مردم آن را خاموش نگهدارند مواجهه بودیم ولی این که بتوانند زندگی مدرن و مترقی و سکولار را از مردم بگیرند بدون مقاومت گسترده و همه جانبه توده اهالی آن کشور غیر محال و تصورش بسیار سخت است.

از این رو تا آنجایی که به خواست آزادیهای سیاسی و مدنی برمیگردد مردم در ایران یکبار دیگر چالنج قدیمی یعنی جنگیدن با يك رژیم دیکتاتور و سرکوبگر را در مقابل خود داشتند و این تاریخاً عرصه جدیدی نبود و سابقه خیلی وسیعتر و گسترده تری در این رابطه وجود داشت. اما تا آنجایی که به خواست يك زندگی مدرن و مترقی و سکولار برمیگشت ابعاد مسئله به این گستردگی و در شکل يك مقابله همجانبه با حاکمیت عرصه جدیدی بود. در



عمق يك جنبش گسترده برای تحقق سکولاریسم از پایین در ایران دارد. از این رو در ایران بیش از هر چیز امر سکولاریسم با مقاومت و ستیزجویی يك حکومت مذهبی روبرو است. حکومتی که نمیتواند مذهبی باشد و در عین حال سکولار. بیهوده نبود که تلاشهای جریانهای ملی مذهبی در طول يك دهه برای اصلاح حکومتی عقیم و نتیجه ای نداد. این اپروچ، پیش از یک دهه است که افشا و نقد شده و مردم کوچکترین توهی هم به آن ندارند و خود رهبران آن سردرگم و متفرق شده اند. اپروچ دیگر این است که فکر میکند تنها با يك رونسانس فکری و فرهنگی میتوان سکولاریسم و یا حتی دموکراسی خواهی را نهادینه کرد. این تز اساسش بر این استوار است که جامعه را طالب آزادیهای سیاسی و مدنی نمیبیند و جامعه ایران را يك جامعه عقب مانده و مذهبی میداند و از این رو بیش از هر چیزی بر کار فرهنگی و آموزشی

برای تماس با اعضاء شورای مرکزی سازمان آزادی زن به لینک تماس با ما مراجعه کنید.

جهت ایجاد ظرف متحد کننده وسیعترین توده های زن و مرد در ایران به سازمان آزادی زن بپیوندید تا با هم علیه بیحقوقی زنان، علیه مردسالاری لجام گسیخته و برای رهایی زنان مبارزه کنیم.

<http://www.azadizan.net/>

سخنی با خوانندگان نشریه سازمان آزادی زن

خوانندگان گرامی می توانند با مراجعه به سایت سازمان آزادی زن، از فعالیتهای این سازمان آگاهی پیدا کنند. لینکهای سخنرانیها و جلسات پانتاکمی ما در این سایت قابل دسترسی است.

شما در ضمن می توانید با مراجعه به لینک نشریه آزادی زن، به نشریه های گذشته را نیز بخوانید.

آپارتاید جنسی باید ملغی گردد!

دنباله مصاحبه با هما ارجمند

و یا حتی نقد فلسفی مذهب فکوس دارد.

این جریان نیز همان قدر پرت است که اولی. اینها یا چشم‌هایشان را بر واقعیات جامعه ایران می‌بندند و یا می‌خواهند به مذهب و دستگاه عظیم مذهبی خدشه ای وارد نشود و یا می‌خواهند جمهوری اسلامی البته با زدن یکسری لبه‌های تیزش کماکان بر سر کار باقی بماند.

اما واقعیتهای و نیاز جامعه و حرکت خود مردم خلاف این تئوریه‌ها و سیاستها است. مردم برای آن که بتوانند امروز در ایران بقا کنند مجبور هستند که یک زندگی مدرن شهری را اتخاذ کنند. نمیتوان با یک قشر بزرگی از زنان تحصیل کرده روبرو بود و در عین حال از آنان خواست که از حقوق ابتدایی خود بگذرند و هر چه مردان خانواده امر میکنند عمل کنند. نمیتوان زنان در محیطهای صنعتی و خدماتی مشغول باشند و در عین حال به آنان بعنوان شهروند درجه دو برخورد کرد. نمیتوان در عصر اینترنت از جوانان خواست همچون یک طلبه مذهبی زندگی کنند و از زندگی شاد و متنوع و رنگین برهذرشان داشت.

به یک معنی چشم انداز سکولاریسم و دموکراسی اساسا توسط حاکمیت مذهبی کور شده است و این را مردم خود میدانند و از این رو با یک جنبش عظیم سرنگونی خواهی در ایران روبرویم که آزادی و سکولاریسم اساس پرچم آن است. چنان این دو در هم تنیده شده اند که به سختی میتوان آنها را از هم جدا کرد. فصل مشترک جنبش زنان، جنبش مدرن جوانان، جنبش دانشجویی، جنبش کارگری و جنبش مذهب زدایی امروز دقیقا بر سر این است که چگونه رژیم اسلامی را به زیر بکشند تا بتوانند آزادیها و جامعه مترقی و رو به جلو را تامین کنند.

و اما تحولات اخیر و خیزش مردم در منطقه علیه فقر و بیعدالتی و بر کناری حکومت‌های دیکتاتوری، تروریسم دولتی به سر کردگی آمریکا را به تکاپو انداخت تا هر طور شده از مبارزات مردم علیه

سرمایه و کسب قدرت بدست خود جلوگیری کند. در این اثنا با جریانات اسلامی در پشت در های بسته به مذاکره پرداخت و جنبش هار اسلامی را بجان مردم انداخت. اما غافل از اینکه مردم به تنگ آمده بدون وحشت از تهدیدات مداوم، دستگیریها، شکنجه و تجاوز جنسی، عزم به سازمان دادن خود برای خلاصی از قوانین شریعه و حکومتش کرده اند. آنان هرگز جانشین یک دیکتاتور را با دیکتاتور دیگر نخواستند. مردم شکنجه، زندان، تبعض جنسی، نفی تمام آزادیهای فردی و اجتماعی و کشتار دسته جمعی را نمی خواهند. آنان خواهان برقراری حقوق و آزادی های سیاسی و مدنی بیقید و شرط برای همه هستند و تا کسبش مردم منطقه آرام نخواهند شد.

هما ارجمند ۲۵ فوریه ۲۰۱۲



homawpi@nosharia.com

www.nosharia.com

www.closedowniranianembassies.com

شغلی و هم در رشته تحقیقی فعالیت دارد. ماریا با بیش از ۲۰۰ مورد مشکوک به قتل ناموسی در سوئد کار می کند. ماریا همچنین در خصوص زنان حلبچه در کردستان عراق فعالیت می کند. او مسئول نهاد غیر انتفاعی "علیه قتل های ناموسی" است

www.minheder.nu

وی همچنین عضو هیئت اجرایی "زن برای صلح" است.

www.kvinnorforfred.se

آزادی زن: تاثیر جهانی شدن اسلام سیاسی را بر حقوق زن چگونه می بینید؟

ماریا هاگبرگ: جهانی شدن اسلام سیاسی تاثیرات وخیمی بر حقوق زن گذاشته که هنوز هم ادامه دارد. با استفاده از کتاب مذهبی (قران) و قوانینش، تبعیض و خشونت علیه زن گسترش یافته است بخصوص با رسمیت یافتن این کتاب مذهبی بعنوان قوانین کشوری.

آزادی زن: بعد از اوج گیری جنبش اعتراضی در خاور میانه و شمال آفریقا برای پایان دادن به حکومت‌های دیکتاتوری، مردم با



مصاحبه آزادی زن با ماریا هاگبرگ

ماریا هاگبرگ فعال جنبش زنان، دارای مدرک فوق لیسانس از دانشگاه لوند سوئد در رشته مدد کار اجتماعی است. او در خصوص خشونت علیه زن و قتل های ناموسی هم در عرصه

رهائی زن همین امروز!

دنباله مصاحبه با ماریا هاگبرگ

تازه اول کار است و نباید فقط به آن اکتفا کرد.

آزادی زن: آیا جنبش علیه حکومت‌های دیکتاتوری در این مناطق بالاخره بر جنبش اسلام سیاسی هم غلبه خواهد کرد؟ آیا حکومتی میرا از مذهب در این مناطق به وجود خواهد آمد؟ رابطه بین جنبش آزادی زن علیه اسلام و حکومت اسلامی را در منطقه چگونه می‌بینید؟

ماریا هاگبرگ: جنبش سکولاریسم در این مناطق ضعیف است که این خود حمایت ما را می‌طلبد. در این مناطق، مذهب هنوز بر مردم سایه اندخته اما مردم منزجر از جنگ و مذهب اند و آلترناتیو را در سکولاریزم جستجو می‌کنند. ■

۲۱ فوریه ۲۰۱۲

جنبش اسلام سیاسی روبرو شدند. جنبش اسلام سیاسی جنگ را به مردم منطقه تحمیل کرده و باعث یک سری عقب نشینی در امور حقوق مدنی و حقوق زن در این مناطق شده است. آینده را در این مناطق چگونه می‌بینید؟

ماریا هاگبرگ: جوانان، فعالین و مدافعان حقوق زن در این خصوص بسیار نا امید و مایوس و خواهان حمایت بین المللی شدند. وظیفه ماست که از جنبش بپا خواسته آنان حمایت کنیم. پناهندگان بسیاری نیاز به حمایت ما دارند که نباید به آنان پشت کرد. باید بگویم که من به انقلاب واقعی اعتقاد دارم. خیزش مردم

۸ مارس، روز جهانی مبارزه برای آزادی زن

در هشتم مارس ۱۸۵۷، زنان کارگر کارگاه‌های پارچه‌بافی و لباس‌دوزی در نیویورک آمریکا به خیابان‌ها ریختند و خواهان افزایش دست‌مزد، کاهش ساعات کار و بهبود شرایط بسیار نامناسب کار شدند. این تظاهرات با حمله پلیس و کتک‌زدن زنان برهم خورد.

سال ۱۹۰۷ در دوره‌ای که مبارزات زنان برای تأمین حقوق سیاسی و اجتماعی اوج گرفته بود، به مناسبت پنجاهمین سالگرد تظاهرات نیویورک در هشتم مارس، زنان دست به تظاهرات زدند.

ایده انتخاب روزی از سال به‌عنوان "روز زن" نخستین بار در جریان مبارزه زنان نیویورک با شعار "حق رای برای زنان" مطرح شد. دو هزار زن تظاهر کننده در ۲۳ فوریه ۱۹۰۹ پیشنهاد کردند که هر سال در روز یکشنبه آخر فوریه، یک تظاهرات سراسری در آمریکا به مناسبت "روز زن" برگزار شود.

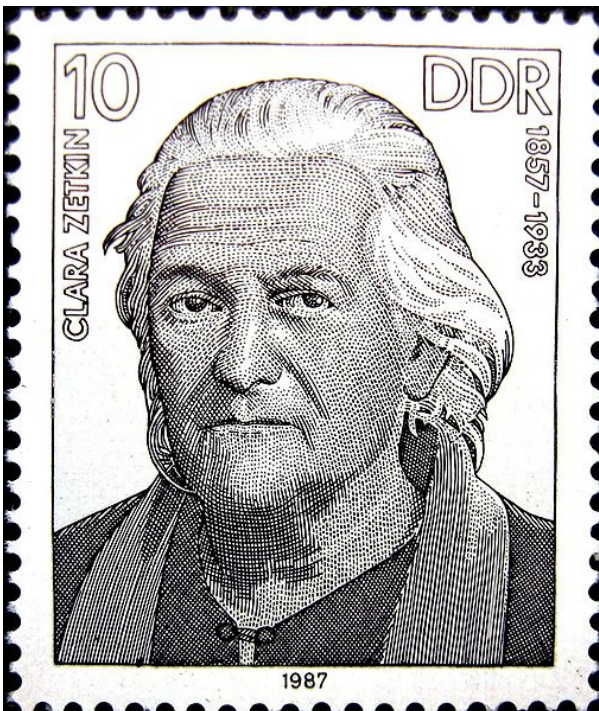
در سال ۱۹۱۰، "دومین کنفرانس زنان سوسیالیست" که کلارا زتکین از رهبران آن بود، به مسئله تعیین "روز بین‌المللی زن" پرداخت. زنان سوسیالیست اتریشی قبلاً روز اول ماه مه را پیشنهاد کرده بودند. اما اول ماه مه، جایگاه و مفهومی داشت که می‌توانست اهمیت و جایگاه مبارزه مشخص بر سر مسئله زن را تحت‌الشعاع قرار دهد. زنان سوسیالیست آلمان، روز ۱۹ مارس را پیشنهاد کردند. مناسبت این روز، مبارزات انقلابی در

سال ۱۸۴۸ علیه رژیم پادشاهی پروس بود که به عقب‌نشینی لفظی حکومت در نوزدهم مارس همان سال، منجمله در مورد مطالبات زنان، انجامید. "دومین کنفرانس زنان سوسیالیست" تاریخ برگزاری نخستین مراسم "روز زن" را ۱۹ مارس ۱۹۱۱ تعیین کرد. تصمیم‌گیری قطعی برای تعیین "روز جهانی زن" به بعد موکول شد.

بعد از انتشار قطعنامه کنفرانس در مورد تعیین "روز جهانی زن"، انترناسیونال دوم از این تصمیم حمایت کرد، و نخستین تشکیلاتی بود که این روز را به رسمیت شناخت.

۱۹ مارس ۱۹۱۱ خیابان‌های آلمان، اتریش، سوئیس و دانمارک با مارش زنان به لرزه در آمد. شمار زنان تظاهر کننده در اتریش به ۳۰ هزار نفر می‌رسید. نیروهای پلیس به تظاهرات حمله بردند و به زدن زنان پرداختند و گروهی را دستگیر کردند.

سال ۱۹۱۳ "دبیرخانه بین‌المللی زنان" (یکی از نهادهای انترناسیونال سوسیالیستی دوم)، هشتم مارس را با خاطره مبارزه زنان کارگر در آمریکا، به‌عنوان "روز جهانی زن" انتخاب کرد. در همان سال، زنان زحمتکش و زنان روشنفکر انقلابی در روسیه تزاری و در



سراسر اروپا، مراسم "۸ مارس" را بشکل تظاهرات و میتینگ برگزار کردند.

در سال ۱۹۱۴ جنگ جهانی اول درگرفت. در اروپا که مرکز جنگ بود، زنان انقلابی تلاش کردند تظاهرات ۸ مارس ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ را تحت شعار مرکزی "علیه جنگ امپریالیستی" برگزار کنند. در کشورهای درگیر جنگ، طبقات مختلف به موافقان و مخالفان جنگ تقسیم شده بودند و انشعاب در صفوف جنبش زنان، مانع از برگزاری سراسری و گسترده «روز جهانی زن» شد. ■

نقل از ویکی پدیا

زنده باد آزادی زن



Organisation for Women's Liberation _ Iran

کنفرانس بین المللی بمناسبت روز جهانی زن

مارس ۲۰۱۲

**اوجگیری جنبش اعتراضی در
خاور میانه و شمال آفریقا**

اوجگیری اسلام سیاسی؟

**آینده برای وضعیت زنان چگونه
ترسیم میشود؟**

کنفرانس مطبوعاتی
جمعه ۲ مارس ۲۰۱۲
ساعت ۱ تا ۴ بعدازظهر

Viktoriahuset Samlingsal,
Linneagatan 21
Gothenburg, Sweden

کنفرانس
شنبه ۳ مارس ۲۰۱۲
ساعت ۱ تا ۲ بعدازظهر

Göteborgs Stadsmuseum,
Norra Hamngatan 12, 411
14 Gothenburg, Sweden

TEATERKAPIJA

تئاتر کپیا

گروه تئاتر کپیا با شرکت جنرالیکسون برنامه هنری اجرا میکنند.

Contacts:

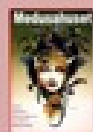
majedi.azar@gmail.com

wshahla.n@gmail.com

Tel: 0046 737262622

www.womensliberation.net

www.medusahuset.se



گرداننده: مریم کوشا



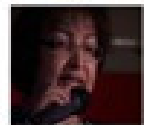
علیا ماجده المهدي (مصر)



هما ارجمند (ایران، کانادا)



سواد آيسا بابا، (الجزیره، فرانسه)



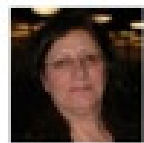
نینا سانکاری (لهستان)



کریم عامر (مصر)



پروین کابلی (ایران، سوئد)



آذر ماجدی (ایران، انگلستان)



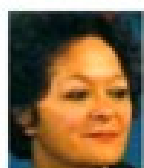
شہلا نوری (ایران، سوئد)



ماریا هاگبری (سوئد)



لیلین هلس فرنچ (فرانسه)



نه به سنگسار = نه به جمهوری اسلامی!

تنها راه مقابله با این تهدید و جنگ خانمان برانداز، تنها راه رهایی از این شرایط مشقت بار و از این بیحقوقی مقابله قاطعانه، متحد و متشکل با رژیم اسلامی است.

تا زمانی که این رژیم در اریکه قدرت است، سرنوشت ما جز فقر و فلاکت، سرکوب و بیحقوقی نخواهد بود. راه رهایی در دستان ما است. با ایجاد تشکلات خود، در محلات، در محل کار، در مدارس و دانشگاه، با تشکیل شوراهای خویش می توانیم و باید تهاجمات این رژیم و تهدیدات تروریسم دولتی را عقب بنشانیم. راه دیگری نیست. رژیم اسلامی از مردم متشکل و متحد بشدت در هراس است.

۸ مارس روزی است که فریاد آزادیخواهی و برابری طلبی در سراسر جهان به صدا در می آید. ما نیز باید همراه بشریت آزادیخواه و برابری طلب، خواست خود را برای آزادی زن و برابری زن و مرد به جهانیان اعلام کنیم. در این روز باید نشان دهیم که این



رژیم یک وصله ناجور به پیکر جامعه است و باید برود؛ نشان دهیم که ما وکیل و نماینده خود گمارده لازم نداریم. ما

می خواهیم و می توانیم با جنبش خود به خواست هایمان، آزادی، برابری و رفاه دست یابیم. می توانیم یک دنیای بهتر را بر ویرانه های این رژیم سرکوب و جنایت، این نظام زن ستیز اسلامی بنیان گذاریم و بساط حجاب اسلامی، آپارتاید جنسی، زن ستیزی و مردسالاری را همراه این رژیم از جامعه جارو کنیم.

زننده باد آزادی زن، مرگ بر آپارتاید جنسی

سازمان آزادی زن

اسفند ۱۳۹۰، مارس ۲۰۱۲

www.azadizan.net/



پیام سازمان آزادی زن به مناسبت ۸ مارس ۱۳۹۰

۸ مارس روز زن در راه است. روز اعتراض زنان و مردان آزادیخواه بر علیه تبعیض و نابرابری. روزی که در سراسر جهان، پیشروترین بخشهای جامعه تلاشی دو باره برای دستیابی به آزادی و برابری زن سازمان میدهند. به همگان موقعیت فرودست زن را یاد آوری میکنند و اعتراض علیه این وضعیت غیر انسانی را دو چندان میکنند.

سازمان آزادی زن پرچمدار این جنبش و این تلاش انسانی برای آزادی بی قید و شرط زن و برابری کامل زن و مرد است.

امسال در شرایطی به استقبال ۸ مارس میرویم که از یک طرف فقر و تهیدستی مردم زحمتکش چند برابر شده و از طرف دیگر محاصره اقتصادی و خطر یک حمله نظامی به ایران زندگی مردم را بیش از پیش در تنگنا قرار داده است و حکومت ترور و سرکوب اسلامی می کوشد، در مقابل جنبش سرنگونی مردم سد ارباب و سرکوب را محکم کند. بیکاری، تنگدستی و ناامنی اجتماعی در جامعه ایران بیدامیکنند و سهم زنان در این میان فقر و ناامنی بیش از پیش است.

زنان و مردان آزادیخواه!

همه ما از این رژیم منزجریم. از این شرایط فقر و فلاکت، سرکوب و بیحقوقی جانمان به لب رسیده است. و اکنون تحت تحریم اقتصادی و تهدید جنگ زندگی مان سخت تر و ناامن تر شده است. جنگی که تهدید آنرا بالای سر ما قرار داده اند، بخشی از تخاصمات و جنگ میان دو قطب تروریستی، تروریسم دولتی و تروریسم اسلامی است.

"برای آزادی زن"

هرسه شنبه از ساعت ۲۰ تا ۲۱ به وقت ایران روی آدرس زیر پخش میشود.

Symbol Rate: ۱۹۲۷۹ - Horizontal: QPSK ۲/۳ -
Transponder: ۱۰ - TelStar ۱۲

این برنامه ها همچنین روی سایت سازمان آزادی زن قرار دارند. از طریق آدرس ای-میل با ما تماس بگیرید و از نظرات خود ما را مطلع کنید.

radioazadizan@yahoo.com

سازمان آزادی زن

www.azadizan.net



به رادیو ماهواره ای "برای آزادی زن" گوش دهید!

"برای آزادی زن" برنامه ی رادیو ماهواره ای سازمان آزادی زن میباشد که تلاش دارد صدای جنبش برابری طلب در ایران و منطقه باشد. با رادیو "برای آزادی زن" همکاری کنید و اخبار جنبش برابری طلب، موقعیت زنان در ایران، افغانستان و کشورهای محل زندگی خود را برای ما ارسال دارید تا بتوانیم آنرا در برنامه های خود منعکس کنیم.

نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند. مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

azarmajedi@yahoo.com

parvinkaboli@yahoo.se

esmail_owji@yahoo.com

رئیس سازمان آزادی زن آذر ماجدی:

هینت تحریریه نشریه پروین کابلی و

اسماعیل اوجی